

تأثیر عوامل نهادی بر عملکرد پایدار بنگاه‌ها

محسن اکبری*، مصطفی ابراهیم‌پور**، میلاد هوشمند چایجانی***

چکیده

امروزه مناطق آزاد، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان ابزاری برای ورود به بازارهای جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مناطق با داشتن بسترهای قوی حمایتی (منابع، قوانین، سیاست‌ها، ارتباطات و غیره) عملکرد شرکت‌های مستقر در خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بنابراین در پژوهش حاضر با نگاهی استراتژیک به این بستر اقتصادی از دو منظر بیرونی (بررسی تأثیر عوامل نهادی) و درونی (بررسی قابلیت‌های پویای بهره‌برداری و اکتشاف) به بررسی پایداری در عملکرد شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد انزلی پرداخته شد. به این منظور نظرهای ۱۵۱ شرکت فعال مستقر در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی (هر شرکت یک مدیر ارشد) با استفاده از ابزار پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل صورت گرفته با استفاده از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS حاکی از آن بود که نخست، عوامل نهادی بر عملکرد پایدار و دوسوتوانی (به‌عنوان قابلیت ترکیبی از بهره‌برداری و اکتشاف) شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی اثر دارد. دوم، دوسوتوانی ضمن تأثیر مستقیم، به‌طور غیرمستقیم نیز بر عملکرد پایدار این شرکت‌ها تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: نظریه نهادی؛ عملکرد پایدار؛ دوسوتوانی؛ مناطق آزاد؛ بهره‌برداری و اکتشاف.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۴/۰۷.

* استادیار، دانشگاه گیلان.

** استادیار، دانشگاه گیلان.

*** دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران، پردیس فارابی (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

به منظور کمک به رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و توسعه اقتصادی کشورها، راه‌های متفاوتی پیشنهاد شده است که یکی از این راه‌ها، توسعه مناطق آزاد تجاری است. شرکت‌های مستقر در این مناطق همواره سعی در بهره‌برداری از تسهیلات و امکاناتی دارند که این مناطق در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. مناطق آزاد می‌توانند با ایجاد و تسهیل در استفاده از منابع مناسب برای بنگاه‌های موجود در خود، این مهم را محقق سازند و آن‌ها را به سمت عملکرد بالاتر و مؤثرتر سوق دهند (چیو و همکاران، ۲۰۱۱). اهمیت مناطق آزاد سبب شده است تا مطالعه در زمینه عملکرد شرکت‌های مستقر در مناطق آزاد در پژوهش‌های مختلف مورد تأکید قرار گیرد (تیفینبران، ۲۰۱۳)؛ در همین راستا نگاه جدید به حوزه عملکرد با تلفیق مفهوم پایداری در خود، به عملکرد با دیدی جامع‌تر و همه‌جانبه‌تر نگاه می‌کند. از آنجاکه مفهوم «عملکرد پایدار» ضمن اهمیت، با شکاف مطالعاتی زیادی روبه‌رو است (بیتیتسی و همکاران، ۲۰۱۲؛ زوبیر و هابیدین، ۲۰۱۲؛ بورلاکیس و همکاران، ۲۰۱۴)؛ به همین منظور پژوهش حاضر به بررسی این سطح از عملکرد در شرکت‌ها می‌پردازد. با وجود اهمیت مطالعه در زمینه پایداری عملکرد شرکت‌های مستقر در مناطق آزاد، این بررسی زمانی می‌تواند کامل باشد که مطالعه جوانب بیرونی و درونی شرکت‌ها در پژوهش لحاظ شود. در این راستا با ارائه الگویی ترکیبی از نظریه نهادی (نگاه به بیرون) و نظریه دوسوتوانی سازمانی (نگاه به درون) سعی شده است تا نگاهی جامع به مطالعه عملکرد شرکت‌ها شود.

با وجود ماهیت مناطق آزاد که بستری از منابع و قابلیت‌ها را برای شرکت‌ها مستقر در خود فراهم می‌کنند در زمینه چگونگی تأثیر عوامل نهادی بر عملکرد شرکت‌ها، پژوهش‌های کمی صورت گرفته است. بر اساس نظریه نهادی، نهادها به‌خصوص در اقتصادهای در حال گذار، می‌توانند با فراهم کردن بستری برای شناسایی و به‌کارگیری منابع توسط شرکت‌ها بر عملکرد آن‌ها تأثیرگذار باشند (گوو و همکاران، ۲۰۱۴). بسیاری از پژوهشگران اثر فشارهای محیط نهادی را در نحوه انتخاب استراتژی و سطح عملکردی شرکت‌ها مؤثر می‌دانند (سیمپسون، ۲۰۱۲؛ گوو و همکاران، ۲۰۱۴).

از طرفی شرکت‌ها بر پایه توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود به فشارها، پویایی‌ها و تلاطم‌های محیطی پیرامون خود پاسخ می‌دهند. از جمله این قابلیت‌های سازمانی استراتژیک، قابلیت دوسوتوانی سازمانی است. سازمان‌هایی که بتوانند دو قابلیت بهره‌برداری و اکتشاف را به‌طور هم‌زمان داشته باشند، سازمان‌های «دوسوتوان» نامیده می‌شوند. شرکت‌ها با ویژگی‌های دوسوتوانی قادر خواهند بود تا ضمن استفاده از دانش و اطلاعات موجود بازار، به‌خوبی در جهت استفاده از فرصت‌های جدید، توسعه کسب‌وکار و خلق محصولات متفاوت و جدید حرکت کنند

(جانسن و همکاران، ۲۰۰۶). مروری بر مبانی نظری مرتبط با دو قابلیت بهره‌برداری و اکتشاف، کمبود مطالعاتی در این زمینه را به‌وضوح نشان می‌دهد. بدین ترتیب اهمیت توجه به دوستوانی به‌مثابه یک نگاه استراتژیک به قابلیت‌های سازمان است که علاوه بر کمبود مطالعات علمی داخلی و خارجی در این زمینه، کمبود توجه عملی به آن، به‌خصوص در ایران، مشهود است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴).

طی پژوهش‌های اخیر در حوزه دوستوانی، ملاحظه می‌شود که نوع نگاه به این مفهوم از سطح قابلیت‌های یک شرکت به‌صورت منفرد خارج شده است و به‌عنوان شبکه‌ای از قابلیت‌ها و اتحادهای استراتژیک بین‌سازمانی به‌عنوان منبعی برای ایجاد قابلیت دوستوانی سازمانی شناخته می‌شود (استادلر و همکاران، ۲۰۱۴؛ قره‌چه و همکاران، ۱۳۹۴). مزیت کلیدی خلق و توسعه قابلیت دوستوانی از طریق شبکه‌سازی، ایجاد کانال برای انتقال، ترکیب و ادغام منابع و اطلاعات و فراهم‌کردن بستر مبتنی بر یادگیری برای سازمان‌ها است که از این طریق سازمان‌ها می‌توانند به سطح پیچیده‌ای از توانمندی و قابلیت دست یابند. چنین قابلیت‌هایی در سطح بین‌سازمانی، دوستوانی را در سطح سازمان‌ها پرورش می‌دهد (لین و همکاران، ۲۰۱۳). این امر کاربرد هرچه بیشتر مفهوم دوستوانی در شرکت‌های مستقر در مناطق آزاد را نشان می‌دهد؛ زیرا این مناطق می‌توانند به بستری برای گروه‌بندی و شبکه‌سازی شرکت‌ها به‌منظور توسعه و تسهیم قابلیت‌های بهره‌برداری و اکتشاف در میان سازمان‌ها مبدل شوند.

با توجه به نقش کلیدی مناطق آزاد و پایداری در عملکرد شرکت‌های مستقر در این مناطق بر اقتصادهای در حال گذاری چون ایران و کمبود مطالعاتی در حوزه‌های نظریه نهادی و دوستوانی سازمانی، محور اساسی پژوهش بر این مفاهیم استوار است؛ بدین ترتیب پژوهش حاضر با انتخاب و بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های فعال در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی به‌دنبال پاسخ به این سؤال کلیدی که «آیا عوامل نهادی و دوستوانی سازمانی بر عملکرد پایدار شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد تأثیر دارد؟» است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم چابکی. موفقیت در سازمان‌های امروزی با مفهوم «پایداری» درآمیخته است و از آنجاکه شرکت‌ها اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عناصر در سیستم اقتصادی هستند، حرکت به سمت عملکرد پایدار در شرکت‌ها مقدمه‌ای برای دستیابی به توسعه پایدار در سطح اقتصاد است. پایداری در سطح کلان به‌واسطه توسعه پایدار شکل می‌گیرد و توسعه پایدار به معنای توانایی شناسایی نیازها و توجه به آرزوهای حال و آینده، بدون داشتن پیش‌فرض‌های ملاحظه‌گرانه، برای ساختن آینده‌ای کامل‌تر است. در سطح سازمانی نیز توسعه پایداری که به

ایجاد عملکرد پایدار در سازمان منجر می‌شود، به دنبال همان شناسایی و برآورده کردن نیازها بوده با این تفاوت که نقطه تمرکز، نیازهای کلیه ذی‌نفعان بالقوه و بالفعل شرکت است (هوبارد، ۲۰۰۹). از این روی می‌توان ارتباط و تعامل مثبت و مستقیمی را میان پایداری در عملکرد شرکت‌ها و توسعه پایدار در سطوح کلان ملاحظه نمود.

این سطح از اهمیت سبب شد تا مطالعات مختلفی در زمینه شناسایی ابعاد عملکرد پایدار انجام شود. عمده این مطالعات، عملکرد پایدار را پایداری در عملکرد محیطی (مصرف انرژی و سطح ضایعات)، اقتصادی (سطح نوآوری، هزینه تولید، سودآوری و رقابت) و اجتماعی (تصویر شرکت، ایمنی و امنیت کار و مسئولیت‌های اجتماعی) تعریف کرده‌اند (چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ زوبیر و هابیدین، ۲۰۱۲؛ بورلاکیس و همکاران، ۲۰۱۴).

پایداری در عملکرد، امروزه مسئله‌ای اساسی برای بسیاری از شرکت‌ها و صنایع محسوب می‌شود و هرچند این عامل با ماهیت متغیر و پویای محیط‌های رقابتی امروزی در تناقض به نظر می‌رسد؛ اما سازمان‌ها با وجود تغییرات مستمر، چالش رقابت دائمی و تلاطم همیشگی پیشروی آن‌ها، راهی جز قرارگرفتن در مسیر توسعه ندارند. رسیدن به این سطح از توسعه به واسطه دستیابی به عملکرد پایدار در شرکت امکان‌پذیر است؛ زیرا لازمه پایداری، رشد، تحرک و پویایی مداوم است (زوبیر و هابیدین، ۲۰۱۲؛ بورلاکیس و همکاران، ۲۰۱۴)؛ بنابراین در سال‌های اخیر به مفهوم پایداری در عملکرد، به‌عنوان راه‌حلی اثربخش در رشد و توسعه صنعت توجه زیادی شده است.

نظریه نهادی. نظریه نهادی بر پایه سه ستون و اصل (قانونی، هنجاری و نهادی) بنا نهاده شده است. پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که سه ساختار نام‌برده به‌عنوان ستون‌های سازمان به‌منظور تجزیه و تحلیل نیروها و فشارهای نهادی واردشده به شرکت‌ها معرفی شده‌اند (کوستاوا و روس، ۲۰۰۲).

نظریه‌های اولیه در رابطه با دیدگاه نهادی بر لزوم تطابق شرکت‌ها با فشارهای محیطی برای به‌دست‌آوردن مشروعیت تأکید می‌کردند؛ اما پیشرفت‌های اخیر در نظریه نهادی این موضوع را نشان می‌دهد که سازمان‌ها هم به دنبال بهره‌وری اقتصادی (با تأکید بر رقابت بر سر منابع کمیاب و اهمیت دادن به محیط وظیفه‌ای) و هم مشروعیت اجتماعی (با تأکید بر دستیابی به مشروعیت از منظر ذی‌نفعان اجتماعی با نفوذ و اهمیت دادن به محیط نهادی) هستند (دیماگیو و پاول، ۱۹۸۳). چارچوب نوین در نظریه نهادی به این موضوع اشاره می‌کند که شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا هنجارهای محیط پیرامون را در خود بگنجانند؛ به‌طوری‌که

آن‌ها بتوانند مشروعیت، منابع، ثبات و چشم‌اندازی برای تقویت بقای خود کسب کنند (دیماگیو و پاول، ۱۹۸۳).

نظریه نهادی به طرز فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به یک چشم‌انداز استراتژیک در اقتصادهای در حال گذار است (گوو و همکاران، ۲۰۱۴). در کشورهای در حال گذار مقامات دولتی قدرت زیادی در سیاست‌های تخصیص منابع و تصویب پروژه‌ها دارند. شرکت‌هایی که در این گونه از اقتصادها مستقر هستند با تکیه بر روابط سیاسی و مدیریتی، عدم اطمینان سازمانی را کاهش می‌دهند و موجبات ایجاد مزیت رقابتی و بهبود عملکرد را فراهم می‌سازند. در اقتصادهای در حال گذار این واقعیت وجود دارد که به منظور به دست آوردن منابع و فرصت‌های بیشتر، شرکت‌ها نیاز به استفاده مؤثر از نهادها و عواملی مانند حمایت نهادی، روابط سیاسی مدیریتی و مشروعیت قانونی سازمان دارند (گوو و همکاران، ۲۰۱۴)؛ از این رو در پژوهش حاضر این ابعاد به عنوان زیرمتغیرهای عوامل نهادی موردسنجش و تحلیل قرار گرفته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. تعریف عوامل نهادی به کاررفته در پژوهش (گوو و همکاران، ۲۰۱۴)

عوامل نهادی	تعریف
روابط سیاسی مدیریت	به قسمتی از فعالیت‌های مدیران گفته می‌شود که به برقراری تعامل با نهادهای خارجی شرکت مرتبط می‌شود. این روابط در واقع نشان‌دهنده این موضوع است که مدیران تا چه حدی در پی پرورش روابط شخصی با مقامات دولتی هستند.
مشروعیت قانونی سازمان	مشروعیت اشاره به موضوعی دارد که فعالیت‌های شرکت مطلوب بوده و با هنجارها، ارزش‌ها، باورها و تعاریف جامعه همسو است.
حمایت نهادی	حمایت نهادی نشان‌دهنده این موضوع است که تا چه حدی نهادهای مدیریتی از شرکت‌ها حمایت و پشتیبانی می‌کنند. چنین وضعیتی از طریق ابزارهایی مانند اعطای وام و یا اعطای برخی از حقوق مثل مجوز برای واردات و غیره رخ می‌دهد.

دوسوتوانی. نخستین بار دانکن (۱۹۷۶)، از اصطلاح «دوسوتوانی» استفاده کرد و بر اساس مطالعات اولیه بورنز و استالکر (۱۹۶۱) و تامسون (۱۹۶۷) مفهوم دوسوتوانی را بسط داد. مطالعات اولیه در حوزه نظریه‌های سازمان، دو قابلیت اکتشاف و بهره‌برداری را توانمندی‌هایی مجزا و غیرقابل ارتباط با یکدیگر می‌دانستند؛ درحالی‌که با حرکت پژوهش‌ها به سمت پختگی و تکامل، اصطلاح دوسوتوانی به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که علاوه بر بهره‌برداری از توانمندی‌های موجود خود، قادر به جست‌وجو و کشف فرصت‌های جدید در مسیر فعالیت خود نیز باشند؛ بر این اساس دوسوتوانی به معنای توانایی سازمان برای دستیابی به «نوآوری رادیکال و تدریجی»، «اکتشاف و بهره‌برداری»، «ثبات و انتقال در انطباق سازمانی و کارایی

و انعطاف‌پذیری در طراحی سازمانی» به‌طور هم‌زمان است (مارچ، ۱۹۹۱). بدین ترتیب می‌توان دوسوتوانی را قابلیت و توانمندی دوسویه دانست که از یک سو، سازمان با به‌کارگیری و بهره‌برداری از توانمندی‌ها و امکانات موجود، سعی در بهبود عملکرد جاری کسب‌وکار، کاهش هزینه، افزایش کیفیت و به‌طور کلی بهبود کارایی خود دارد (قابلیت بهره‌برداری) و از سوی دیگر با تأکید بر انعطاف‌پذیری، به دنبال نوآوری و جهش در محصولات، استفاده از چالش‌ها و فرصت‌های محیطی و تأثیرگذاری بر آینده کسب‌وکار است (مارچ، ۱۹۹۱؛ برکینشاو و گوپتا، ۲۰۱۳).

سازمان‌ها به‌منظور بقا، رشد و موفقیت ترکیبی از این قابلیت‌ها را بر اساس توانمندی‌های داخلی خود و موقعیت‌های مختلف محیطی که با آن مواجه هستند، انتخاب می‌کنند (کاوو و همکاران، ۲۰۰۹). نکته مهم در این رابطه این است که توجه صرف به هر یک از این قابلیت‌ها (بهره‌برداری و اکتشاف) سازمان را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ زیرا تأکید بیش‌ازحد بر بهره‌برداری، سازمان را از جهش‌های نوآورانه دور می‌کند و به ایجاد تعادل عملکردی کمتر از حد مطلوب در سازمان منجر می‌شود؛ بدین ترتیب می‌تواند سازمان را دچار «دام موفقیت» نیز کند؛ چراکه عمدتاً موفقیت اولیه ناشی از قابلیت بهره‌برداری سازمان را از تفکر متفاوت در مسیر عملکرد خود دور می‌کند؛ همچنین تمرکز بیش‌ازحد بر قابلیت اکتشاف، سازمان را دچار دور باطلی از ایده‌های خام و توسعه‌نیافته، بدون بهره‌برداری کامل می‌کند. ضمن آنکه سازمان می‌تواند دچار «دام شکست» شود؛ زیرا تفکر رادیکال در ایده‌ها و نوآوری‌ها همواره با درصد شکست و خطا همراه است که به‌موجب آن خطر ناامیدی و شکست را به‌دنبال دارد (گوپتا و همکاران، ۲۰۰۶). در ادامه خلاصه‌ای از محورهای اساسی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون متغیرهای کلیدی پژوهش در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲. محورهای برخی از مطالعات پیشین حول متغیرهای کلیدی تحقیق

منبع	موضوع محوری پژوهش
گوردن و همکاران، (۲۰۰۵)	منابع در کنار عوامل نهادی مزیت رقابتی پایدار را در بنادر تضمین می‌کند.
لیو، (۲۰۰۶)	سازمان دوسوتوان، سازمانی با عملکرد بهبودیافته است.
آمیوس و همکاران، (۲۰۰۸)	عوامل و فشارهای نهادی، شرکت‌ها را به سمت دوسوتوان شدن سوق می‌دهد.
روسو و تنکاتی، (۲۰۰۹)	نداشتن درک درست از عملکرد پایدار در شرکت‌های کوچک و متوسط مانعی برای توسعه فرآیندها است.
لی و هوانگ، (۲۰۱۲)	تناسب و توسعه قابلیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری در جهت پاسخگویی به تغییرات محیطی است.
گوو و همکاران، (۲۰۱۴)	عوامل و فشارهای نهادی موجب توسعه منابع و قابلیت‌های شرکت‌ها می‌شوند.
لین و هو، (۲۰۱۶)	در شرکت‌های بین‌المللی و چندملیتی سطح فشارهای نهادی کشور میزبان با سطح دوسوتوانس شرکت رابطه مستقیمی دارد.

۳. توسعه فرضیه‌ها و الگوی مفهومی

بررسی عملکرد پایدار در سطح شرکت‌ها با کمبود مطالعاتی ملموسی روبه‌رو است؛ باوجود این اهمیت پژوهش در زمینه عملکرد پایدار را می‌توان در محدود مطالعات انجام‌شده در این زمینه ملاحظه کرد. روسو و تنکاتی (۲۰۰۹)، طی مطالعه خود در شرکت‌های کوچک و متوسط ایتالیایی به این نتیجه رسیدن که به‌اندازه کافی به موضوع‌های مرتبط با عملکرد پایدار توجه نشده است. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌ها درک واضحی از عملکرد پایدار خود ندارند و این امر مانع مهمی در برابر فرآیندهای آن‌ها محسوب می‌شود (بورلاکیس و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعه بیتیتسی و همکاران (۲۰۱۲)، نیز بر وجود شکاف پژوهشی در زمینه مطالعه عملکرد پایدار در حوزه شرکت‌ها تأکید می‌کند؛ بنابراین در پژوهش حاضر ضمن کمبود پیشینه در این زمینه به بررسی این مفهوم عملکردی پرداخته شده است. در ادامه هر یک از فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود.

نظریه نهادی، چارچوبی را برای شرح چگونگی تأثیرگذاری عوامل و فشارهای نهادی بر شرکت‌ها معرفی می‌کند. این چارچوب استراتژی‌های محیطی سازمان را شکل می‌دهد؛ بر این اساس است که به‌طور سنتی، تمرکز اصلی نظریه نهادی در شرکت‌ها بر چگونگی ایجاد موقعیت سازمانی بهتر و کسب مشروعیت به‌واسطه تطابق با قوانین و هنجارهای محیطی است (دیماگیو و پاول، ۱۹۸۳)؛ بنابراین شواهد زیادی وجود دارد که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم عوامل نهادی بر عملکرد شرکت‌ها است (سیمپسون، ۲۰۱۲؛ گاوور و همکاران، ۲۰۱۴).

عوامل نهادی همچون مشروعیت قانونی سازمانی، روابط سیاسی مدیریت و حمایت نهادی همگی عواملی هستند که می‌توانند به توسعه منابع و قابلیت‌های شرکت منتج شده و موجب افزایش مشروعیت و انطباق سازمان با استانداردهای هنجاری و فشارهای موجود شوند (گوو و همکاران، ۲۰۱۴). گوردن و همکاران (۲۰۰۵)، نیز بیان می‌دارند ترکیبی از منابع به همراه عوامل نهادی همچون حمایت‌ها و سیاست‌های دولت می‌تواند سبب ایجاد مزیت رقابتی پایداری در بنادر سنگاپور شود که به توسعه عملکردی این مناطق و شرکت‌های مستقر در آن‌ها کمک می‌کند؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش به‌صورت زیر تبیین می‌شود؛

H₁: عوامل نهادی بر عملکرد پایدار شرکت‌های فعال مستقر در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی تأثیر دارند.

همان‌طور که پویایی‌های محیطی می‌توانند بر قابلیت‌های درونی اثرگذار باشند (نکوئی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴)، بررسی‌های انجام‌شده در زمینه دوسوتوانی، نشان می‌دهد که عوامل و فشارهای نهادی بر تمایل سازمان‌ها در گرایش به سمت بهره‌برداری و اکتشاف تأثیرگذار

هستند. لین و هو (۲۰۱۶)، بیان می‌کنند که شرکت‌ها می‌توانند در پاسخ به فشارهای نهادی به‌صورت واکنشی (مبتنی بر بهره‌برداری) و یا فعال (مبتنی بر اکتشاف) عمل کنند (لین و هو، ۲۰۱۶). ضمن اینکه آمبوس و همکاران (۲۰۰۸)، عوامل نهادی را عواملی می‌دانند که بر سازمان‌ها برای حرکت به سمت دوستوانی فشار می‌آورند. آن‌ها با بررسی سازمان‌های پژوهشی، فشارهای نهادی متمایز ناشی از فعالیت‌های پژوهشی دانشگاهی و فعالیت‌های مبتنی بر تجاری‌سازی را عاملی دانسته‌اند تا مراکز پژوهشی مانند دانشگاه‌ها به سمت دوستوانی بین تجاری‌سازی و فعالیت دانشگاهی حرکت کنند.

به نظر لین و هو (۲۰۱۶) در میان شرکت‌هایی که فعالیت‌های بین‌المللی و چندملیتی انجام می‌دهند، وقتی شرکت‌ها در کشورها با سطح فشارهای نهادی بالا فعالیت می‌کنند به‌طور متقابل سطح دوستوانی در آن‌ها بالا است و برعکس در صورتی که در کشورهای با سطح فشارهای نهادی پایین فعالیت کنند، سطح دوستوانی نیز در آن‌ها پایین است؛ از این رو فرضیه دوم پژوهش به‌صورت زیر است:

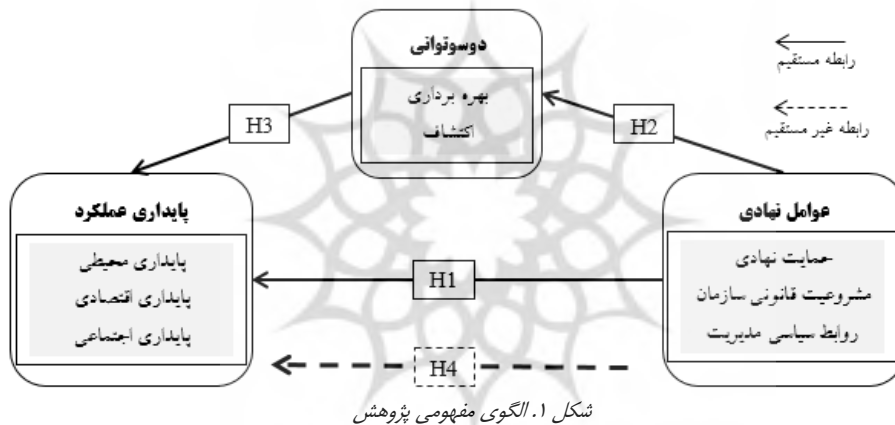
H₂: عوامل نهادی بر دوستوانی شرکت‌های فعال مستقر در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی تأثیر دارند.

دوستوانی به‌واسطه فراهم کردن هم‌زمان امکان استفاده از قابلیت‌های بهره‌برداری و اکتشاف، به شرکت‌ها در رسیدن به سطح بالایی از عملکرد یاری می‌رساند (رایش و برکینشاو، ۲۰۰۸). شرکت‌هایی که از قابلیت بهره‌برداری استفاده می‌کنند، قادرند تا مسائل پیش روی خود را به‌واسطه قدرت فرآیندهای تولیدشان به حداقل برسانند؛ در همین راستا شرکت‌هایی که از قابلیت اکتشاف بهره می‌برند نیز می‌توانند آشفتگی‌های فناورانه پیرامون خود را با توسعه فناوری و تولید محصولات نوین پاسخ دهند و عملکرد بالایی در شرایط متغیر داشته باشند (لوباکین و همکاران، ۲۰۰۶). این قابلیت‌ها علاوه بر اینکه موجبات بقای شرکت‌ها را فراهم می‌آورند، به توسعه و بهبود عملکرد آن‌ها نیز کمک می‌کنند (لیو، ۲۰۰۶)؛ بر همین اساس است که اهمیت شرکت‌های دوستوان در دستیابی به عملکرد بالا در عرصه رقابت در پژوهش‌های مختلفی به اثبات رسیده است (گیسون و برکینشاو، ۲۰۰۴؛ لوباتکین و همکاران، ۲۰۰۶؛ رایش و برکینشاو، ۲۰۰۸؛ شیوا و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بر این اساس فرضیه سوم پژوهش به‌صورت زیر تبیین می‌شود:

H₃: دوستوانی بر عملکرد پایدار شرکت‌های فعال مستقر در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی تأثیر دارد.

دوستوانی قابلیت‌ی پویا و فوق‌العاده در سازمان‌ها محسوب می‌شود (گیسون و برکینش‌اوی، ۲۰۰۴) که به تدریج در تعامل مستمر با محیط پیرامون خود و به منظور بقا در مواجهه با تغییرات محیطی تغییر می‌کند. بر این اساس شرکت‌ها قادرند تا از دانش و قابلیت خود در زمینه بهره‌برداری و اکتشاف در جهت پاسخگویی به تغییرات محیطی استفاده کنند (لی و هوانگ، ۲۰۱۲). پژوهشگران دو قابلیت پویای بهره‌برداری و اکتشاف را قابلیت‌هایی قابل تعویض می‌دانند که متناسب با عوامل و فشارهای نهادی اعمال شده بر سازمان و تغییرات در ترکیب این عوامل، به سازمان‌ها در رشد، بقا، عملکرد بالاتر و انطباق با تغییرات نهادی مختلف کمک می‌کند (آندریوپولس و لویس، ۲۰۰۹). لی و هوانگ (۲۰۱۲) و لیو و هو (۲۰۱۶) به‌طور مستقیم به نقش میانجی دوستوانی در رابطه بین عوامل نهادی بر عملکرد اشاره کرده‌اند. بر این اساس فرضیه چهارم پژوهش به صورت زیر تبیین می‌شود:

H₄: عوامل نهادی بر عملکرد پایدار شرکت‌های فعال مستقر در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی به‌طور غیرمستقیم از طریق دوستوانی تأثیر دارند.
با توجه به توضیحات ارائه شده، الگوی مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱، است.



۴. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، توصیفی، از لحاظ استراتژی‌های پژوهش، پیمایشی و از لحاظ شیوه‌های گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای است. پژوهش توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. در این روش، پژوهشگر شرایط فعلی را بررسی می‌کند تا مسائل جاری در پرتو آن روشن شود و عمدتاً از شیوه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت پرسشنامه و مصاحبه استفاده می‌شود (دوستار و اکبری، ۱۳۹۲). در این پژوهش ۱۵۱ شرکت به منظور جمع‌آوری داده‌های این پژوهش

موردبررسی قرار گرفت. ابزار مورد استفاده پرسشنامه است و مطابق جدول ۳، از ۳۸ سؤال تشکیل شده است. این پرسشنامه‌ها بر اساس طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت (۱= به شدت مخالفم تا ۷= به شدت موافقم) طراحی شدند.

جدول ۳. تشریح منابع و تعداد سنجه‌های پرسشنامه

منبع	تعداد سنجه	متغیر (ابعاد)
گوو و همکاران، (۲۰۱۴)	۴	حمایت نهادی
	۳	مشروعیت قانونی سازمانی
	۴	روابط سیاسی مدیریت
جانسن و همکاران، (۲۰۰۶)	۴	بهره‌برداری
	۵	اکتشاف
زوبیر و هاییدین، (۲۰۱۲) چن و همکاران، (۲۰۱۰)	۵	پایداری محیطی
	۸	پایداری اقتصادی
	۵	پایداری اجتماعی

شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی به‌عنوان جامعه مورد مطالعه پژوهش به تعداد ۵۰۲ شرکت به صورت فعال و نیمه‌فعال و غیرفعال در این منطقه شناسایی شدند که از این تعداد ۲۰۴ شرکت به صورت غیرفعال، ۹۸ شرکت به صورت نیمه‌فعال و ۲۰۰ شرکت به صورت فعال بوده‌اند. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری در اختیار شرکت‌های فعال در منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی قرار داده شد. ابتدا، تعداد ۴۰ پرسشنامه به منظور پیش‌آزمون، توزیع شد که ۳۱ پرسشنامه به صورت کامل جمع‌آوری شد. طی این مرحله سؤال‌ها به منظور فهم بیشتر آن‌ها اصلاح شدند؛ سپس تعداد ۲۰۰ پرسشنامه به صورت مراجعه حضوری در میان شرکت‌ها توزیع و ۷۵/۵ درصد از آن‌ها به تعداد ۱۵۱ پرسشنامه به صورت کامل و بدون نقص جمع‌آوری شد.

به منظور تضمین مطلع بودن پاسخ‌دهنده‌ها از هدف و موضوع پژوهش در زمانی که پرسشنامه در سطح افراد توزیع می‌شود؛ اما تحلیل در سطح شرکت قرار می‌گیرد، با استفاده از مطالعه آتواهن-جیما (۲۰۰۵)، یک سؤال با عنوان «میزان دانش شما از وضعیت و اطلاعات مرتبط با شرکت چه میزان است؟» با طیفی هفت‌تایی (۱= دانش به شدت محدود تا ۷= به شدت مطلع) در ابتدای پرسشنامه گنجانده شد تا از میزان جامعیت پاسخ‌دهندگان نسبت به ادامه سؤال‌های پرسشنامه اطمینان حاصل شود. بدین ترتیب با به دست آمدن میانگین ۶/۷۴ از کیفیت اطلاعات به دست آمده اطمینان حاصل شد.

۵. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS 2 برای بررسی الگوی مفهومی پژوهش بهره گرفته شد. این روش بهترین ابزار برای تحلیل پژوهش‌هایی است که در آن‌ها روابط بین متغیرها پیچیده، حجم نمونه اندک و توزیع داده‌ها غیرنرمال است. برای سنجیدن روابط علی، رویکرد حداقل مربعات جزئی روش بسیار مناسبی است؛ به این منظور، پس از بیان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه موردبررسی، مدل پژوهش حاضر در دو سطح مدل اندازه‌گیری (پایایی، بار عاملی، روایی همگرا و روایی واگرا) و مدل ساختاری (ضریب تعیین، ضریب قدرت پیش‌بینی، آماره t) موردبرازش قرار می‌گیرد؛ سپس فرضیه‌های پژوهش آزمون می‌شوند. برای تبیین و تشریح داده‌های جمع‌آوری شده بعضی از ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان در جدول ۴، نشان داده شده است. در بخش‌های بعدی، مدل معادله ساختاری پژوهش اجرا می‌شود.

جدول ۴. مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

جنسیت	ابعاد	فراوانی درصد	ابعاد	فراوانی درصد
جنسیت	مرد	۶۲/۹	دیلیم	۲۳
	زن	۳۷/۱	کارشناسی	۶۲
پست سازمانی	مدیرعامل	۷/۳	کارشناسی تحصیلات ارشد	۴۶
	مدیر تولید	۱۷/۲	دکتری	۲۰
	مدیر برنامه‌ریزی	۱۲/۶	۲۵-۲۹	۴۵
پست سازمانی	مدیر بازاریابی و فروش	۳۸/۴	سن (سال)	۳۰-۳۴
	مدیر منابع انسانی	۱۵/۹	۳۵-۳۹	۳۲
	کارشناس	۸/۶	۴۰ ع	۱۸

ارزیابی مدل اندازه‌گیری. آلفای کرونباخ شاخصی کلاسیک برای تحلیل پایایی و نشان‌دهنده یک سنت قوی در معادلات ساختاری است که برآوردی را برای پایایی بر اساس همبستگی درونی معرف‌ها ارائه می‌دهد و مقدار مناسب برای آن بزرگ‌تر از ۰/۷ است. به‌منظور محاسبه پایایی معیار دیگری نیز وجود دارد که برتری‌هایی را نسبت به روش سنتی محاسبه آن به‌وسیله آلفا کرونباخ به همراه دارد و به آن پایایی ترکیبی گفته می‌شود. برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به‌صورت مطلق، بلکه با توجه به

همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود؛ همچنین برای محاسبه آن، شاخص‌های با بار عاملی بیشتر، اهمیت زیادتری دارند؛ در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی، هر دو معیار استفاده می‌شوند. برای پایایی مرکب میزان بیشتر از ۰/۷ مناسب ذکر شده است. روایی همگرا معیار دیگری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار برده می‌شود. مطالعات انجام‌شده، استفاده از متوسط واریانس استخراج‌شده را به‌عنوان معیاری برای اعتبار همگرا پیشنهاد کرده‌اند. معیاری که برای مطلوب بودن AVE نمایش داده می‌شود، بیشتر از ۰/۵ است. نتایج جدول ۵، نشان‌دهنده مقادیر مناسب هر یک از این معیارها است.

جدول ۵. گزارش معیارهای آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

میانگین واریانس استخراجی (AVE $\geq 0/5$)	ضریب پایایی ترکیبی (Alpha $\geq 0/7$)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha $\geq 0/7$)	عنوان در مدل	متغیر پنهان سطح اول	متغیر پنهان سطح دوم
۰/۵۳	۰/۸۳	۰/۷۷	IF		عوامل نهادی
۰/۶۰	۰/۸۵	۰/۷۷	INS	حمایت نهادی	
۰/۶۷	۰/۸۶	۰/۷۵	ORL	مشروعیت قانونی سازمان	
۰/۵۹	۰/۸۵	۰/۷۶	MPT	روابط سیاسی مدیریت	
۰/۵۱	۰/۸۱	۰/۷۴	AM		دوستوانی
۰/۵۳	۰/۸۲	۰/۷۱	EXT	بهره‌برداری	
۰/۵۴	۰/۸۵	۰/۷۹	EXR	اکتشاف	
۰/۵۰	۰/۹۱	۰/۹۰	SP		عملکرد پایدار
۰/۵۴	۰/۸۶	۰/۷۸	SEN	پایداری محیطی	
۰/۵۳	۰/۹۰	۰/۸۷	SEC	پایداری اقتصادی	
۰/۵۳	۰/۸۵	۰/۷۷	SSO	پایداری اجتماعی	

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه، محاسبه می‌شود و مقدار مناسب آن برابر و یا بیشتر از ۰/۴ است و نشان‌دهنده این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده است. بارهای عاملی حاصل از اجرای مدل در جدول ۶، نشان می‌دهد که همه سنجش‌ها دارای بار عاملی مناسبی هستند.

جدول ۷. بارهای عاملی سنجه‌های مدل

سازه	کد سنجه	بار عاملی (λ)	سازه	کد سنجه	بار عاملی (λ)	سازه	کد سنجه	بار عاملی (λ)
INS	SSO3	۰/۷۷	EXT	SEN3	۰/۸۱	SEC	INS1	۰/۷۹
	SSO4	۰/۶۵		SEN4	۰/۷۳		INS2	۰/۸۴
	SSO5	۰/۶۷		SEN5	۰/۷۶		INS3	۰/۸۲
ORL	EXT1	۰/۷۰	EXR	SEC1	۰/۷۴	SSO	INS4	۰/۶۱
	EXT2	۰/۷۸		SEC2	۰/۷۵		ORL1	۰/۷۵
	EXT3	۰/۷۷		SEC3	۰/۶۹		ORL2	۰/۸۸
MPT	EXT4	۰/۵۹	SSO1	SEC4	۰/۸۲	SSO2	ORL3	۰/۸۲
	EXR1	۰/۷۱		SEC5	۰/۷۹		MPT1	۰/۷۴
	EXR2	۰/۶۷		SEC6	۰/۷۱		MPT2	۰/۸۲
SEN	EXR3	۰/۷۷		SEC7	۰/۶۷		MPT3	۰/۷۴
	EXR4	۰/۷۶		SEC8	۰/۶۹		MPT4	۰/۷۵
	EXR5	۰/۷۶		SSO1	۰/۷۲		SEN1	۰/۶۳
				SSO2	۰/۸۱		SEN2	۰/۷۴

برای بررسی روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری از معیار فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده شده است. بر اساس این معیار، روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبولی است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. در PLS بررسی این امر به وسیله ماتریسی حاصل می‌شود (جدول ۷) که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر AVE مربوط به هر سازه است. بر اساس نتایج همبستگی‌ها و جذر AVE که بر روی قطر جدول ۷، قرار داده شده است می‌توان روایی واگرایی مدل در سطح سازه را از نظر معیار فورنل-لارکر (۱۹۸۱) نتیجه گرفت.

جدول ۷. همبستگی‌های میان متغیرهای مکنون و مقادیر AVE

متغیر	کد	EXR	EXT	INS	MPT	ORL	SEC	SEN	SSO
اکتشاف	EXR	۰/۷۳							
بهره‌برداری	EXT	۰/۲۱	۰/۷۲						
حمایت نهادی	INS	۰/۲۴	۰/۱۷	۰/۷۷					
روابط سیاسی مدیریت	MPT	۰/۴۵	۰/۲۴	۰/۳۳	۰/۷۶				
مشروعیت قانونی سازمان	ORL	۰/۲۸	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۲۷	۰/۸۲			
پایداری اقتصادی	SEC	۰/۴۹	۰/۴۷	۰/۳۸	۰/۴۵	۰/۳۰	۰/۷۲		
پایداری محیطی	SEN	۰/۳۹	۰/۳۱	۰/۲۷	۰/۴۴	۰/۳۹	۰/۵۱	۰/۷۳	
پایداری اجتماعی	SSO	۰/۳۱	۰/۴۰	۰/۴۶	۰/۴۳	۰/۲۹	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۷۲

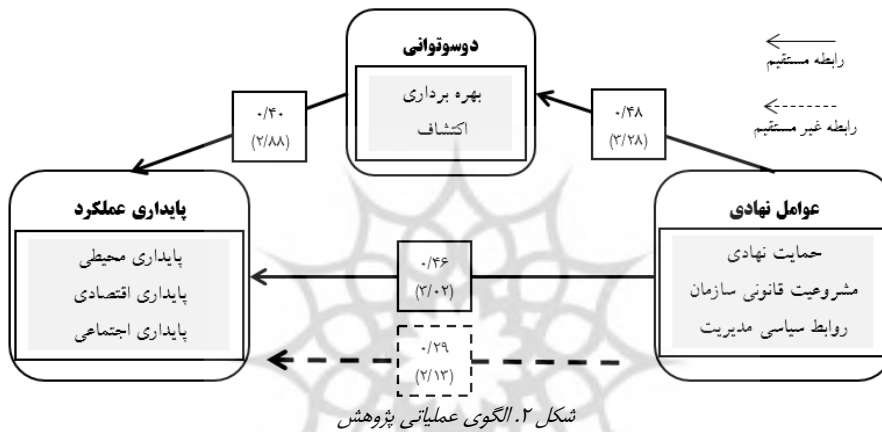
ارزیابی مدل ساختاری. نتایج تحلیل مدل ساختاری در رابطه با معیار R^2 برای تمامی متغیرهای درون‌زای مدل پژوهش نشان می‌دهد که این معیار در رابطه با متغیر «دوستوانی» مقدار ۰/۲۴ و برای متغیر «عملکرد پایدار» مقدار ۰/۵۷ است. نتایج این معیار نشان می‌دهد که ضرایب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل برازش خوبی دارند. به‌منظور بررسی قدرت پیش‌بینی مدل از معیاری باعنوان Q^2 استفاده شده است. با ملاحظه نتایج این معیار در رابطه با متغیرهای درون‌زای «دوستوانی و عملکرد پایدار» که به‌ترتیب مقادیر ۰/۱۸ و ۰/۲۳ را دارا هستند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل از قدرت پیش‌بینی بالایی برخوردار است. پس از برازش بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل پژوهش حاضر، به‌منظور کنترل برازش کلی مدل، از معیاری با عنوان «GoF» استفاده شد. با توجه به مقدار ۰/۳۶ محاسبه‌شده برای این معیار و مطابق مطالعات انجام‌شده، برازش کلی مدل در حد «قوی» مورد تأیید قرار می‌گیرد. در ادامه به‌منظور بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، نتایج ضرایب معناداری، ضرایب استانداردشده مسیرهای مربوط به هر یک از فرضیه‌ها و نتایج بررسی فرضیه در جدول ۸، ارائه شده است.

جدول ۸. آزمون فرضیات اصلی به همراه حضور متغیر تعدیل‌گر

متغیر مستقل	اثر	متغیر وابسته	تخمین	آماره t	نتیجه
H1 عوامل نهادی	←	عملکرد پایدار	۰/۴۶	۳/۰۲	**
H2 عوامل نهادی	←	دوستوانی	۰/۴۸	۳/۲۸	***
H3 دوستوانی	←	عملکرد پایدار	۰/۴۰	۲/۸۸	**

***p < .001 : **p < .01

نتایج آزمون فرضیه‌ها و ضرایب معناداری با توجه به جدول ۸، نشان می‌دهد که روابط میان متغیرها در فرضیه‌های اول، دوم و سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. برای آزمون فرضیه چهارم که نقش میانجی‌گری «دوستوانی» را بین دو متغیر «عوامل نهادی» و «عملکرد پایدار» نشان می‌دهد، از «آزمون سوپل» استفاده شد. در «آزمون سوپل» با استفاده از مقدار Z-value به دست آمده، معناداری تأثیر میانجی مورد آزمون قرار می‌گیرد؛ بدین ترتیب مقادیر مقدار Z-value محاسبه شده ۲/۱۳ است که این میزان نشان‌دهنده تأیید تأثیر متغیر میانجی (دوستوانی) در رابطه میان عوامل نهادی و عملکرد پایدار در سطح اطمینان ۹۵ درصد است؛ همچنین مقادیر محاسبه شده آماره VAF (تعیین کننده شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی) برابر ۰/۲۹ است. این مقدار نشان می‌دهد که ۲۹ درصد از اثر عوامل نهادی بر عملکرد پایدار از طریق غیرمستقیم توسط متغیر دوستوانی تبیین می‌شود.



۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش تلاش شد تا عملکرد پایدار شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی از دو منظر درونی و بیرونی در غالب الگوی ترکیبی بررسی شود. بر این اساس ابتدا با توجه به نظریه نهادی، محیط نهادی (هنجارها، فشارها، روابط سیاسی، مشروعیت سازمانی و به‌طور کلی عوامل نهادی)، به‌عنوان عاملی بیرونی در الگوی پژوهش مورد تأکید قرار داده شد. این امر با نگاهی متفاوت نسبت به بسیاری از پژوهش‌های متداول بوده است که همواره بر محیط اقتصادی در پژوهش خود تأکید کرده‌اند. این موضوع در ارتباط با مناطق آزاد بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا در اقتصادهای در حال گذار به دلیل قدرت سیاسی و اقتصادی دولت و نقش پررنگ آن در اقتصاد ملی، دستیابی به مزیت رقابتی و عملکرد مطلوب بدون

نگرش به این‌چنین فشارها و عوامل نهادی، کامل و جامع نخواهد بود. در ادامه برای بررسی جامع در الگوی پژوهش، قابلیت دوستوانی به‌عنوان عاملی درونی بررسی شد. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون این موضوع، دوستوانی قابلیت است که شرکت‌ها به‌واسطه آن قادرند تا از مجموعه توانمندی‌های خود برای بهره‌برداری از امکانات موجود و اکتشاف فرصت‌ها و ایده‌های جدید استفاده کنند؛ از طرفی نکته کلیدی ارتباط دوستوانی و نظریه نهادی در آنجا است که تنها اتکا به قابلیت‌های سازمانی، بدون در نظر گرفتن تغییرات و انعطاف صورت گرفته در این قابلیت‌ها از طریق تغییرات محیطی، تحلیل کاملی نیست.

برای آزمون مدل ترکیبی پژوهش، نمونه‌ای از شرکت‌های فعال مستقر در منطقه آزاد انزلی بررسی شدند. این بررسی که به‌واسطه تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار Smart PLS صورت گرفت، حاکی از آن بود که عوامل نهادی (حمایت نهادی، مشروعیت قانونی و روابط سیاسی مدیریت) بر دستیابی به عملکرد پایدار (پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی) در شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد انزلی مؤثر است. این یافته با پژوهش‌های گوردن و همکاران (۲۰۰۵)، سیمپسون (۲۰۱۲)، گوو و همکاران (۲۰۱۴) و گاوور و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. در ادامه، تأثیر عوامل نهادی (حمایت نهادی، مشروعیت قانونی و روابط سیاسی مدیریت) بر دوستوانی (بهره‌برداری و اکتشاف) شرکت‌های مستقر در منطقه آزاد انزلی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با پژوهش‌های آمبوس و همکاران (۲۰۰۸) و لین و هو (۲۰۱۶) همسو است؛ همچنین مشخص شد دوستوانی تأثیر معناداری بر عملکرد پایدار (پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی) این شرکت‌ها دارد که متناسب با پژوهش‌های گیسون و برکینشاو (۲۰۰۴)، لوباتکین و همکاران (۲۰۰۶) و رایش و برکینشاو (۲۰۰۸) است. در آخر نقش میانجی دوستوانی در رابطه بین عوامل نهادی و عملکرد پایدار نیز همانند پژوهش‌های لی و هوانگ (۲۰۱۲) و لیو و هو (۲۰۱۶) مورد پذیرش قرار گرفت.

به‌طور کلی می‌توان این‌گونه استدلال کرد که منطقه آزاد انزلی، به سبب واقع شدن در اقتصاد در حال گذار ایران، توجه به محیط نهادی و عواملی همچون روابط سیاسی مدیریت، حمایت نهادی و مشروعیت قانونی سازمان می‌تواند زمینه‌سازی برای دستیابی به منابع و قابلیت‌های مختلف برای شرکت‌های مستقر در خود باشد (به‌منظور دستیابی به قابلیت کامل‌تر و دوستوان). این امر علاوه بر اینکه شرکت‌ها را به سمت پیشرفت حرکت می‌دهد و قدرت رقابتی مؤثری را برای آن‌ها به‌واسطه تحقق پایداری در عملکرد ایجاد می‌کند، می‌تواند به آن‌ها در رقابت با شرکت‌های خارجی و همچنین پیشرفت ملی - منطقه‌ای کمک کند.

دامنه و اهمیت پژوهش در زمینه استفاده از الگوی ترکیبی نام برده (رویکرد نهادی و دوسوتوانی) به‌عنوان دو نگاه راهبردی به شرکت‌ها، نشان‌دهنده لزوم پژوهش بیشتر در این حوزه، به‌خصوص در اقتصادهای در حال گذار است. این امر می‌تواند علاوه بر توسعه خرد (از منظر شرکت‌ها)، توسعه کلان (از منظر ملی - بین‌المللی) را سبب شود؛ در نتیجه این حوزه از پژوهش می‌تواند هم جنبه نظری و هم جنبه کاربردی داشته باشد. پژوهش حاضر به سبب عدم تکامل مناطق آزاد در ایران با توجه به اصالت و هدف تأسیس این مناطق، با محدودیت مواجه بود؛ باوجوداین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا نخست، ابعاد وسیع‌تری از عوامل نهادی و منابع را مورد مطالعه قرار دهند (الگوی ترکیبی نظریه نهادی و رویکرد منبع‌محور)؛ دوم، از عوامل نهادی به‌عنوان تعدیل‌گر در بیان رابطه قابلیت‌های سازمانی، مزیت رقابتی و عملکرد استفاده کنند؛ سوم، الگوی ترکیبی مطرح‌شده را در شرکت‌های مستقر در مناطق رقیب مورد بررسی و مقایسه قرار دهند.



منابع

1. Akbari, M., Ebrahimipour, M., & Hooshmand Chayjany, M. (2015). The effect on export performance trend of entrepreneurship and innovation ambidexterity new products with the moderation of the intensity of product innovation in the automotive industry. *Journal of Innovation Management*, 4(4), 81-106. (In Persian)
2. mmboos, T. C., aa k,,,, .. , Brkrnrshaw, J., & D Es,,, P. (2008). Whnn do university research get commercialized? Creating ambidexterity in research institutions. *Journal of Management Studies*, 45(8), 1424° 1447.
3. Andriopoulos, C., & Lewis, M. W. (2009). Exploitation-exploration tensions and organizational ambidexterity: managing paradoxes of innovation. *Organization Science*, 20(4), 696° 717.
4. Atuahene-Gima, K. (2005). Resolving the capability° rigidity paradox in new product innovation. *Journal of Marketing*, 69(4), 61-83.
5. Birkinshaw, j., & Gupta, k. (2013). Clarifying the Distinctive Contribution of Ambidexterity to The Field of Organization Studies. *Academy of Management Perspectives*, 27(4), 287-298.
6. Bititci, U., Garengo, P., Dorfler, V., & Nudurupati, S. (2012). Performance measurement: challenges for tomorrow. *International Journal Management Review*, 14(3), 305° 327.
7. Bourlakis, M., Maglaras, G., Aktas, E. & Gallear, D. (2014). Firm size and sustainable performance in food supply chains: Insights from Greek SMEs. *International Journal Production Economics*, 152, 112-130.
8. Cao, Q., Gedajlovic, E., & Zhang, H. (2009). Unpacking organizational ambidexterity: dimensions, contingencies, and synergistic effects. *Organization Science*, 20(4), 781-796.
9. Chen, Y., Okudan, G. E., & Riley, D. R. (2010). Sustainable performance criteria for construction method selection in concrete buildings. *Automation in Construction*, 19, 235° 244.
10. Chiu, R.-H., Llirn, T.-C., LI, C.-Y., LU, B.-Y., & Shang, K.-C. (2011). An Evaluation of Free Trade Port Zone in Taiwan. *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, 27(3), 423-446.
11. DiMaggio, P., & Powell, W. (1983). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields. *American Sociological Review*, 48(2), 147-160.
12. Doostar, M., & Akbari, M. (2012). *Writing Scientific Research (research projects, dissertations, articles and defense session)*. Rasht: Dhsra publications. (in Persian)
13. Duncan, R. B. (1976). *The ambidextrous organization: Designing dual structures for innovation*. In R. H. Kilmann, L. R. Pondy, & D. Slevin (Eds.), *The management of organization design: Strategies and implementation* (pp. 167° 188). New York: North Holland.
14. Gaur, A. S., Kumar, V., & Singh, D. (2013). Institutions, resources, and internationalization of emerging economy firms. *Journal of World Business*, 49(1), 12-20.

15. Gibson, C. B., & Birkinshaw, J. (2004). The antecedents, consequences, and mediating role of organizational ambidexterity. *Academy of Management Journal*, 47(2), 209° 226.
16. Gordon, J., Lee, P.-M., & Lucas Jr., H. (2005). A resource-based view of competitive advantage at the Port of Singapore. *The Journal of Strategic Information Systems*, 14(1), 69-86.
17. Guo, H., Xu, E., & Jacobs, M. (2014). Managerial political ties and firm performance during institutional transitions: An analysis of mediating mechanisms. *Journal of Business Research*, 67(2), 116-127.
18. Gupta, A. K., Smith, K. G., & Shalley, C. E. (2006). The interplay between exploration and exploitation. *Academy of Management Journal*, 49(4), 693-706.
19. Hubbard, G. (2009). Measuring Organizational Performance: Beyond the Triple Bottom Line. *Business Strategy and the Environment*, 18, 177-191.
20. Jansen, J. J., Van Den Bosch, F. A., & Volberda, H. W. (2006). Exploratory innovation, exploitative innovation, and performance: Effects of organizational antecedents and environmental moderators. *Management science*, 52(11), 1661-1674.
21. Kostova, T., & Roth, K. (2002). Adoption of an organizational practice by subsidiaries of multinational corporations: Institutional and relational effects. *Academy of Management Journal*, 45(1), 215-233.
22. L , & Hunng, J. W. (2012). mmbddxrrrtty s mddiiii ng impcc on product development proficiency and new product performance. *Industrial Marketing Management*, 41(7), 1125° 1132.
23. Lin H. E., McDonough E. F., Lin S. J., & Lin C. Y. (2013), Managing the exploitation/exploration paradox: The role of a learning capability and innovation ambidexterity, *Journal of Product Innovation Management*, 30(2), 262° 278.
24. Lin, L. H., & Ho, Y. L. (2016). Institutional Pressures and Environmental Performance in the Global Automotive Industry: The Mediating Role of Organizational Ambidexterity. *Long Range Planning*, 49(6), 764-775.
25. Liu, W. (2006). Knowledge exploitation, knowledge exploration, and competency trap. *Knowledge and Process Management*, 13(3), 144-161.
26. Lubatkin, M. H., Simesek, Z., Ling, Y., & Veiga, J. F. (2006). Ambidexterity and performance in small- to medium-sized firms: the pivotal role of top management team behavioral integration. *Journal of Management*, 32(5), 646° 672.
27. March, J. G. (1991). Exploration and exploitation in organizational learning. *Organization Science*, 2(1), 71° 87.
28. Nekuny Zadeh, M., Hosseini, S. M., Qareh cheh, M., V., & Haji Karim, A. (2014). Dynamic modeling capabilities and dynamic environment related structural path. *Business Administration Perspective*, 21, 85-103. (in Persian)
29. Qareh cheh, M., Haji Karim, A., Khoddadi Hosseini, S. H., & Makyzadh, V. (2014). Model performance of strategic alliances: capabilities-based approach. *Business Administration Perspective*, 21, 13-28. (in Persian)
30. Raisch, S., & Birkinshaw, J. (2008). Organizational ambidexterity: antecedents, outcomes, and moderators. *Journal of Management*, 34, 375° 409.
31. Russo, A., & Tencati, A. (2009). Formal vs. informal CSR strategies: evidence from Italian micro, small, medium-sized, and large Firms. *Journal Bussiness Ethics*, 85, 339° 353.

32. Shiva, a., Aghazadeh, H., & Haideri, A. (2016). The impact of market orientation duality and dichotomy of innovation on firm performance. *Business Administration Perspective*, 25, 13-32. (in Persian)
33. Simpson, D. (2012). Institutional pressure and waste reduction: The role of investments in waste reduction resources. *International Journal Production Economics*, 139, 330-339.
34. Stadler, C., Rajwani, T., & Karaba, F. (2014). Solutions to the exploration/exploitation dilemma: Networks as a new level of analysis. *International Journal of Management Reviews*, 16(2), 172-193.
35. Tiefenbrun, S. (2013). U.S. foreign trade zones of the united states, free trade zones of the world, and their impact on the economy. *Journal of international business and law*, 12(2), 151-221.
36. Zubir, A. F. M. & Habidin, N. F. (2012). The Development of Sustainable Manufacturing Practices and Sustainable Performance in Malaysian Automotive Industry. *Journal of Economics and Sustainable Development*, 3(7), 130-138.

